



## مولوی ، دیوان شمس، غزل شماره ۱۱

ای طوطی عیسی نفس وی بلبل شیرین نوا  
هین زهره را کالیوه کن زان نغمه های جان فزا

دعوی خوبی کن بیا تا صد عدو و آشنا  
با چهرهای چون زعفران با چشم تر آید گوا

غم جمله را نالان کند تا مرد و زن افغان کند  
که داد ده ما را ز غم کو گشت در ظلم ازدها

غم را بدرانی شکم با دورباش زیر و بم  
تا غلغل افتد در عدم از عدل تو ای خوش صدا

ساقی تو ما را یاد کن صد خیک را پرباد کن  
ارواح را فرهاد کن در عشق آن شیرین لقا

چون تو سرافیل دلی زنده کن آب و گلی  
دردم ز راه مقبلی در گوش ما نفخه خدا

ما همچو خرمن ریخته گندم به گاه آمیخته  
هین از نسیم باد جان که را ز گندم کن جدا

تا غم به سوی غم رود خرم سوی خرم رود  
تا گل به سوی گل رود تا دل برآید بر سما

این دانه‌های نازنین محبوس مانده در زمین  
در گوش یک باران خوش موقوف یک باد صبا

تا کار جان چون زر شود با دلبران همبر شود  
پا بود اکنون سر شود که بود اکنون کهربا

خاموش کن آخر دمی دستور بودی گفتمی  
سری که نفکندست کس در گوش اخوان صفا

## مولوی، مثنوی، دفتر سوم، سطر ۴۱۲

شد ز حد هین باز گرد ای یار گرد  
روستایی خواجه را بین خانه برد

قصهٔ اهل سبا یک گوشه نه  
آن بگو کان خواجه چون آمد به ده

روستایی در تملق شیوه کرد  
تا که حزم خواجه را کالیوه کرد

از پیام اندر پیام او خیره شد  
تا زلال حزم خواجه تیره شد

هم ازینجا کودکانش در پسند  
نرتع و نلعب بشادی میزدند

همچو یوسف کش ز تقدیر عجب  
نرتع و نلعب ببرد از ظل آب

آن نه بازی بلک جانبازیست آن  
حیله و مکر و دغاسازیست آن

هرچه از یارت جدا اندازد آن  
مشنو آن را کان زیان دارد زیان

گر بود آن سود صد در صد مگیر  
بهر زر مگسل ز گنجور ای فقیر

این شنو که چند یزدان زجر کرد  
گفت اصحاب نبی را گرم و سرد

زانک بر بانگ دهل در سال تنگ  
جمعه را کردند باطل بی درنگ

تا نباید دیگران ارزان خرد  
زان جلب صرفه ز ما ایشان برند

ماند پیغامبر بخلوت در نماز  
با دو سه درویش ثابت پر نیاز

گفت طبل و لهو و بازرگانی  
چونتان ببرد از ربانی

قد فضضتم نحو قمح هائما  
ثم خلیتم نبیا قائما

بهر گندم تخم باطل کاشتید  
و آن رسول حق را بگذاشتید

صحبت او خیر من لهوست و مال  
بین کرا بگذاشتی چشمی بمال

خود نشد حرص شما را این یقین  
که منم رزاق و خیر الرازقین

آنک گندم را ز خود روزی دهد  
کی توکلها را ضایع نهد

از پی گندم جدا گشتی از آن  
که فرستادست گندم ز آسمان